

واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی

زهره‌سادات ناصری، استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران،
پریا رزم‌دیده، استادیار زبان‌شناسی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

صص: ۲۸۴-۲۵۹

چکیده

واژه‌بست‌ها واحدهای زبانی هستند که هم برخی از ویژگی‌های رفتاری واژه‌ها را دارند و هم دارای برخی از خصوصیات تکواژهای وابسته هستند. از این رو، شناسایی و بررسی آن‌ها در زبان‌های مختلف یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های زبان‌شناختی از نظر زبان‌شناسان است. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بدین ترتیب، هدف پژوهش حاضر، تعیین و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی بر اساس معیارهای آبخن‌والد (۲۰۰۳) است. داده‌های این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با مراجعه به منابع مختلف گویش قاینی و ضبط گفتار آزاد ۲۰ گویشور بومی ساکن شهرستان قاین و همچنین شم زبانی یکی از نگارندگان گردآوری شده است. واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش عبارتند از واژه-بست مفعولی و فاعلی e(d)- و همچنین ضمایر متصل شخصی سوم شخص. نتایج داده‌ها حاکی از آن است که واژه‌بست مفعولی تنها به مفعول مفرد غیرجاندار اشاره دارد و در زمانی که مفعول حضور ندارد به فعل متعدی در همه شخص‌ها و زمان‌ها اضافه می‌شود. واژه‌بست فاعلی به فاعل سوم شخص مفرد (عمدتاً جاندار) اشاره دارد و در زمان عدم حضور فاعل، به فعل سوم شخص مفرد در تمام زمان‌ها اضافه می‌شود. در باب نظام مطابقه، تنها زمانی در این گویش حالت کنایی حاکم است که در جمله دارای فعل سوم شخص مفرد، e(d)- نقش مفعولی داشته باشد؛ در این صورت نشانه یکسان با فاعل فعل لازم و نشانه متفاوت با فاعل فعل متعدی دارد. ضمایر شخصی واژه‌بستی هم در این گویش تنها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

۱. z.naseri@scu.ac.ir ۲. p.razmdideh@vru.ac.ir

پست الکترونیکی:

شامل ضمایر سوم شخص می‌شوند. واژه‌بست‌های ضمیری پس از بررسی براساس معیارهای ۱۵ گانه آبخن‌والد از نظر واژه‌بست بودن مورد تأیید قرار گرفت. **کلیدواژه‌ها:** واژه‌بست ضمیری، واژه‌بست مفعولی، ضمایر متصل شخصی، گویش قایینی، معیار آبخن‌والد.

۱. مقدمه

در تقسیم‌بندی واحدهای زبانی به واژه و وند، سازه‌های بینابین دیگری نمود می‌یابند که ویژگی و رفتار منحصر به فردی دارند. این واحدهای زبانی که واژه‌بست نامیده می‌شوند نوعی تکواژ وابسته‌ای هستند که از نظر ساخت‌واژی جزء واژه میزبان خود محسوب نمی‌شوند و از نظر آوایی بازنمایی مستقل و آزادانه‌ای همانند یک واژه ندارند. واژه‌بست‌ها را می‌توان یکی از جهانی‌های زبان‌ها به‌شمار آورد که ضمن ایفای نقش دستوری در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه، از نظر آوایی با واژه پایه خود یک واژه واجی می‌سازند.

مطالعه واژه‌بست‌ها در بسیاری از زبان‌های دنیا مورد توجه زبان‌شناسان خارجی و ایرانی قرار گرفته‌است. بسیاری از مطالعات ایرانی انجام شده در زمینه واژه‌بست‌ها از الگوهای موجود در پژوهش‌های خارجی جهت تشخیص و شناسایی آن‌ها بهره برده‌اند که در بخش پیشینه پژوهش به معرفی برخی از آن‌ها پرداخته شده‌است. اما آنچه انگیزه انجام این مطالعه شد، بررسی این مهم در یکی دیگر از گونه‌های زبان فارسی، گویش قایینی بود که تاکنون در چارچوب الگوهای موجود در شناسایی و تحلیل واژه‌بست‌ها مورد بررسی قرار نگرفته‌است. از این رو، پرسش اصلی این جستار، چگونگی شناسایی و تحلیل واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قایینی مبتنی بر معیارهای تشخیص واژه‌بست‌ها از نظر آبخن‌والد (۲۰۰۳) است. بدین منظور، داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. علاوه بر این، شم زبانی یکی از نویسندگان در دسترسی به داده‌های بیشتر و تأیید وصحت داده‌ها بسیار کمک‌کننده بود. شواهد داده‌ای براساس معیارهای ۱۵ گانه آبخن‌والد (۲۰۰۳) ارزیابی و در نهایت واژه‌بست‌های ضمیری این گویش شناسایی و تحلیل شدند.

در ادامه پس از مقدمه پیش رو، در بخش دوم پیشینه پژوهش ارائه شده‌است، در بخش سوم واژه‌بست از دیدگاه‌های مختلف به ویژه معیارهای واکاوی واژه‌بست‌های آبخن‌والد

(۲۰۰۳) توصیف شده‌است. در بخش چهارم به روش تحقیق اختصاص دارد و در بخش پنجم واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی تحلیل شده‌اند. در نهایت، بخش ششم به نتیجه‌گیری اختصاص داده شده‌است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه واژه‌بست‌ها یکی از موضوعاتی که بسیار مورد توجه زبان‌شناسان غیرایرانی (زوئیکی^۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۵؛ کلاونس^۲، ۱۹۸۵؛ اسپنسر^۳، ۱۹۹۱؛ کاتامبا^۴، ۱۹۹۳؛ آخن‌والد^۵، ۲۰۰۳؛ بیکل و نیکلز^۶، ۲۰۰۷) و ایرانی (شقاقی، ۱۳۷۴؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴؛ مفیدی، ۱۳۸۶؛ راسخ‌مهند، ۱۳۸۹؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۲؛ مزینانی و شریفی، ۱۳۹۴) قرار گرفته‌است. بررسی واژه‌بست‌ها در گویش قاینی، به‌ویژه واژه‌بست‌های ضمیری در چارچوب نظریه‌ای واج‌شناختی تاکنون مورد تحلیل قرار نگرفته‌است. آثاری که گویش قاینی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، می‌توان به زمردیان (۱۳۵۰؛ ۱۳۶۸؛ ۱۳۸۵)، اردوان و ابوالفضلی (۱۳۹۱) و مختاری و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد. علاوه‌براین، سعیدیان (۱۳۹۴) به بررسی حذف آواهای پایانی و تبدیل صامت و مصوت در گویش قاینی و مقایسه آن با فارسی تهرانی و عاملی (۱۳۹۴) به توصیف ساخت‌واژی گویش قاینی پرداخته‌اند. در پژوهشی دیگر می‌توان از مقداری، طالبی و فاروقی (۱۳۹۷) نام برد که لالایی‌های گویش قاینی را از منظر جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار دادند. پژوهش‌هایی که تاکنون درباره گویش قاینی انجام شده اغلب جنبه‌های نحوی و واجی این گویش را بررسی و تحلیل کرده‌اند (امامی و ناصری (۱۳۸۸)؛ جم و همکاران، ۲۰۲۰؛ ناصری و رزم‌دیده، ۱۳۹۹ و جم و همکاران، ۱۴۰۰). از این‌رو، در این بخش به‌اختصار به معرفی آثاری خواهیم پرداخت که به‌ویژه از دیدگاه آخن‌والد (۲۰۰۳) واژه‌بست‌ها را در دیگر زبان‌ها و گویش‌های فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱- Zwicky

۲- Klavans

۳- Spencer

۴- Katamba

۵- Aikhenvald

۶- Bickel and Nichols

مزینانی (۱۳۸۷) واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینان را با فارسی معیار مقایسه کرده و در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی نشان داده که مطابقت مفعولی در زبان فارسی وجود ندارد. وی از ساخت‌هایی به عنوان واژه‌بست-همزاد نام می‌برد که معرف فرایند مضاعف‌سازی در واژه‌بست‌ها هستند. از نظر مزینانی واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش از جایگاه دوم به جایگاه فعلی تحول یافته‌اند. زیرا به دنبال حذف پایانه‌های صرفی بیانگر حالت نحوی زبان‌های ایرانی باستان ابهامی در تغییر نقش نحوی واژه‌بست‌های جایگاه دوم حاصل شده‌است. در پژوهشی دیگر، راسخ‌مهند (۱۳۹۱) توزیع و نقش واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی (آران و بیدگل) مانند واژه‌بست‌های فاعلی افعال متعدی گذشته، ملکی، مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم)، صفتی و حرف اضافه‌ای را بررسی و به مقایسه آن‌ها با سایر زبان‌های ایرانی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داده است که برخلاف فارسی باستان و میانه، واژه‌بست‌ها در این گویش دیگر در جایگاه واکرناگل^۱ به کار نمی‌روند و می‌توانند در اشاره به فاعل منطقی جمله در زمان گذشته به صورت شناور به سازه‌های ماقبل فعل افزوده شوند. در یک مطالعه رده‌شناختی، صراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲)، واژه‌بست‌های فارسی را هم از نظر ساخت‌واژی و هم از نظر نحوی مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش، واژه‌بست‌های فارسی براساس الگوهای رده‌شناختی آبخن‌والد (۲۰۰۳)، بیگل و نیکلز (۲۰۰۷) و کلاونس (۱۹۸۵) بررسی شدند. از این میان، یافته‌های پژوهش مبتنی بر الگوهای پیشنهادی آبخن‌والد (۲۰۰۳) واژه‌بست‌های موجود در زبان فارسی را شامل ضمائر متصل شخصی، علامت عطف، حرف ندا، نشانه نکره، نشانه اضافه، صورت‌های مخفف فعل ربطی «بودن» و «است» را شناسایی و تأیید کردند. در همین راستا، باباسالاری و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی واژه‌بست‌های گویش تنگستانی دریافتند با توجه به ۱۵ معیار شناسایی واژه‌بست در آبخن‌والد (۲۰۰۳)، ۸ واژه‌بست در تنگستانی وجود دارد شامل: پی‌بست ضمیری، کسره اضافه، یای نکره، یای تخصیص نکره، پی‌بست معرفه‌ساز، واو همپایگی /o=، «ها»ی تأکید /a=، /am=، /i= و ... مخفف هستم، هستی و ... علاوه‌براین، پی‌بست‌های ضمیری در گویش تنگستانی نقش‌های مختلفی مانند فاعلی، مفعولی (صریح و غیرصریح) و ملکی دارند. در مطالعه‌ای دیگر، حامدی شیروان، شریفی و الیاسی (۱۳۹۵) در بررسی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی چهار نقش

فاعلی، مفعولی صریح، غیرصریح و اضافی را شناسایی کردند. در این پژوهش برای هر یک از واژه‌بست‌های مورد نظر میزبان‌های مختلفی از نظر نقش دستوری مشخص شده‌است. برخلاف فارسی معیار، در گویش بهبهانی واژه‌بست فاعلی با میزبان‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. تمایل غالب واژه‌بست‌ها از نظر جایگاه در این گویش، ظهور در جایگاه دوم پس از اولین واژه یا پس از اولین سازه در بند است. در بررسی واژه‌بست‌ها در گویش‌های نزدیک به گویش قایینی، شریفی و صبوری (۱۳۹۷) ضمائر واژه‌بستی را در گویش‌های خراسان رضوی و جنوبی مانند رقه‌ای، طبسی، خوافی، کاظمی و سده‌ای مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد در برخی از این گویش‌ها ضمائر واژه‌بستی کاربرد متنوع‌تر و با بسامد بیشتری دارند و در برخی دیگر دارای کاربرد بسیار کم هستند یا اصلاً کاربرد ندارند و متفاوت از زبان فارسی عمل می‌کنند. همچنین متغیرهایی مانند جاننداری و معرفگی در پیدایش برخی واژه‌بست‌ها تأثیرگذار هستند. همچنین، شریفی (۱۳۸۹) به طور خاص به بررسی کارکردها و محدودیت‌های واژه-بست /e/ در گویش کاخکی می‌پردازد و عنوان می‌دارد این واژه‌بست در گویش کاخکی علاوه بر ساخت متعددی در افعال ربطی نیز دیده می‌شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

واژه‌بست‌ها از دیدگاه‌های مختلفی در زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آنجا که پژوهش حاضر واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قایینی را براساس الگوی آبخن‌والد (۲۰۰۳) شناسایی و تبیین می‌کند، به سایر دیدگاه‌ها به‌اختصار پرداخته می‌شود. واژه‌بست‌ها ابتدا در مطالعات زبان‌های هندواروپایی شناسایی شدند که عناصر جایگاه دوم^۱ نام گرفتند (واکرناگل، ۱۸۹۲). از دیدگاه اسپنسر (۱۹۹۱) واژه‌بست‌سازی^۲ نقطه تلاقی ساخت واژه، نحو و واج‌شناسی است. وی واژه‌بست‌ها را عناصری می‌داند که رفتار یک واژه کامل را دارند اما آزادانه نمی‌توانند به‌کار روند، زیرا از نظر واجی به یک میزبان نیاز دارند. واژه‌بست‌ها از نظر در زمانی معمولاً از واژه‌های کامل به‌وجود می‌آیند و در پیوستار دستوری‌شدگی اغلب به وند تصریفی تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب، واژه‌بست‌ها را می‌توان تکواژهای دستوری در نظر گرفت که در اغلب زبان‌های دنیا نه واژه‌های مستقلی هستند و نه

۱- second position

۲- cliticisation

جزء وندها محسوب می‌شوند (کاتامبا، ۱۹۹۳: ۲۵۲-۲۵۴، به نقل از زوئیکی، ۱۹۷۷). زوئیکی و پولوم^۱ (۱۹۸۳) تکواژهای وابسته زبان را به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست ویژه تقسیم کردند. آن‌ها در تشخیص واژه‌بست‌ها از وندهای تصریفی ششمعیار ارائه می‌کنند: ۱. واژه‌بست‌ها از قدرت انتخاب بیشتری در ارتباط با واژه‌های میزبان خود برخوردار هستند. ۲. واژه‌های دارای وند از ویژگی خلاء اتفاقی بیشتری نسبت به گروه واژه‌بستی هستند. ۳. وندها بیشتر از واژه‌بست‌ها دارای ویژگی‌های خاص صرفی هستند. ۴. واژه‌های همراه با وند دارای ویژگی‌های خاص معنایی بیشتری نسبت به گروه‌های واژه‌بستی هستند. ۵. واژه‌های همراه با وند برخلاف گروه‌ها واژه‌بستی می‌توانند تحت‌تأثیر قواعد نحوی باشند. ۶. برخلاف وندهای تصریفی، مضاعف‌سازی در واژه‌بست‌ها وجود دارد. زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳: ۵۰۴-۵۰۳) در تمایز میان واژه‌بست‌های ساده و ویژه، واژه‌بست‌های ساده را هم دارای صورت کوتاه‌شده و هم صورت واژگانی کامل می‌دانند، درحالی‌که واژه‌بست‌های ویژه تنها دارای صورت واژگانی کوتاه‌شده‌ای هستند که به صورت وابسته به واژه‌های میزبان اضافه می‌شوند؛ مثلاً در زبان انگلیسی واژه‌بست 's ملکی، 've و 'se در موقعیتی که مخفف‌های have و is هستند.

در تعریف کلاونس (۱۹۸۵) از واژه‌بست‌ها به عناصری اطلاق می‌شود که می‌توانند از نظر صرفی به یک گروه نحوی متصل شوند. وی به سه پارامتر در تمایز واژه‌بست‌ها اشاره می‌کند که عبارتند از: پارامتر تسلط (آغازی-پایانی)^۲، تقدم (قبل-بعد)^۳ و پیوند واجی (پیش‌بست-پی‌بست)^۴. دیدگاهی دیگر در مورد واژه‌بست‌ها را بیکل و نیکلیز (۲۰۰۷: ۱۷۴-۱۸۰) مطرح می‌کنند که واژه‌بست‌ها را صورت‌ساز^۵ در نظر می‌گیرد که دارای اطلاعات تصریفی هستند. آن‌ها در بیان تمایز بین صورت‌سازها و واژه‌ها معتقدند صورت‌سازها از آنجاکه ماهیت نحوی ندارند (بلکه دارای ماهیت ساخت‌وازی هستند)، نمی‌توانند به عنوان هسته گروه‌ها عمل کنند، زیرا نمی‌توانند بر واژه‌های دیگر حاکمیت داشته باشند. در مقابل، واژه‌ها چون ماهیت نحوی دارند هم می‌توانند به عنوان هسته گروه بر سایر واژه‌ها تسلط دارند و هم تحت تسلط

۱- Pullum

۲- initial-final dominance

۳- before-after precedence

۴- proclitic-enclitic phonological liaison

۵- formative

هسته‌های واژگانی دیگر واقع شوند. یکی دیگر از مطالعات جدیدتر در مورد واژه‌بست‌ها را می‌توان به آبخن‌والد (۲۰۰۳) مربوط دانست. در تمایز میان واژه‌بست‌ها از وندها، وی ۱۵ معیار، طبق جدول معرفی می‌کند:

جدول ۱- معیارهای ۱۵ گانه آبخن‌والد (۲۰۰۳)^۱

شماره معیار	نوع معیار	مثال
۱	به جهت اضافه‌شدن واژه‌بست‌ها به واژه‌های میزبان اشاره دارد. پیش‌بست‌ها به ابتدای واژه میزبان اضافه می‌شوند و پی‌بست‌ها به پایان آن افزوده می‌شوند.	کتابم (کتاب+م) واژه میزبان+پی‌بست ^۲
۲	واژه‌بست‌ها می‌توانند به همه واحدهای زبانی مانند واژه، گروه و جمله اضافه می‌شوند، درحالی‌که وندها به واژه میزبان خاصی افزوده می‌شوند.	خانه بزرگم گروه اسمی + پی‌بست
۳	واژه‌بست‌ها به آخرین کلمه یک گروه اسمی یا هر اسمی اضافه می‌شوند، اما وندها اغلب به اولین کلمه یک گروه اسمی افزوده می‌شوند.	مانند مثال‌های معیارهای ۱ و ۲
۴	واژه‌بست‌ها واژه واجی مستقلی را به وجود نمی‌آورند، اما وندها می‌توانند به عنوان یک واژه واجی به کار روند.	تمام ضمائر متصل در زبان فارسی

۱ - از آنجاکه در پژوهش حاضر انواع واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قایینی به‌عنوان شاهد برای معیارهای ۱۵ گانه آبخن‌والد (۲۰۰۳) آورده شده‌است، در ذکر مثال برای این معیارها در جدول (۱)، از نمونه‌های موجود در زبان فارسی استفاده شده‌است.

۲- در زبان فارسی تمامی ضمائر متصل شخصی از نوع پی‌بستی هستند.

<p>خداوندا (خداوند + الف ندا) واژه میزبان+پی‌بست</p>	<p>از نظر خصوصیات واج‌آرایی و زنجیری، واژه‌بست‌ها مانند بسیاری از واژه‌ها و وندها تک‌واژه هستند، اما برخلاف واژه‌ها و وندها تکیه بر نیستند.</p>	۵
<p>خونتون /xune+tun/ [xuna + tun] واژه میزبان+پی‌بست</p>	<p>واژه‌بست‌ها از انسجام واجی برخوردارند یعنی فرایندهای واجی که بر یک واژه‌بست اعمال می‌شوند اغلب در مرز واژه میزبان و واژه‌بست رخ می‌دهند.</p>	۶
<p>ضمایر متصل در زبان فارسی همگی بدون مکث پس از واژه میزبان به کار می‌روند.</p>	<p>در مرز میزبان واژه‌بست نمی‌توان مکث کرد.</p>	۷
<p>کتابشونه (کتاب+شون+ه) واژه میزبان+واژه‌بست+پی‌بست</p>	<p>واژه‌بست‌ها مجاز هستند به واژه‌هایی افزوده شوند که دارای واژه‌بست هستند، اما وندها نمی‌توانند به کلماتی اضافه شوند که واژه‌بست دارند.</p>	۸
<p>پاهشون (پا+ها+شون) واژه میزبان +وند+پی‌بست</p>	<p>به نحوه قرار گرفتن واژه‌بست‌ها در زنجیره واژه‌بستی اشاره دارد.</p>	۹
<p>مثال معیار ۹</p>	<p>در ارتباط با جایگاه واژه‌بست نسبت به آنچه وند تعریف می‌شود، واژه‌بست‌ها اغلب خارج یا بعد از همه وندها واقع می‌شوند.</p>	۱۰
<p>مثلاً ضمایر متصل شخصی در زبان فارسی می‌توانند نقش‌های دستوری مختلفی را در گروه‌های واژه‌بستی خود به‌عهده گیرند: بردمش (واژه‌بست در نقش دستوری مفعول بی‌وابسته) ازت خواستم (واژه‌بست در نقش دستوری متمم) خانه‌ام (واژه‌بست در نقش دستوری اضافه اسمی)</p>	<p>واژه‌بست‌ها با واژه‌های مربوط به طبقات دستوری مختلفی به کار می‌روند.</p>	۱۱

مانند مثال ۱۱	میدان عملکرد نحوی واژه‌بست محدود به حوزه واژه‌ها نیست، برخلاف وندها به گروه‌ها یا جمله‌ها هم اضافه می‌شوند.	۱۲
از آنجاکه واژه‌بست‌ها با واژه میزبان خود دارای رابطه ساختی یا دستوری خاصی مانند اضافه ملکی، اضافه صفتی، اضافه اسمی، متممی با حرف اضافه، مفعول صریح، عطف و ندایی دارند، می‌توانند با داشتن معنای خاصی از احتمال واژگانی شدن برخوردار باشند.	واژه‌بست‌ها از احتمال واژگانی شدن برخوردارند و دارای خصوصیات خاص صرفی و معنایی هستند.	۱۳
مانند مثال ۱۱	از آنجاکه واژه‌بست عنصری هم‌ردیف واژه تلقی می‌شود، قواعد نحوی مانند حرکت و حذف به قرینه عملکرد یکسانی بر ترتیب «واژه+واژه‌بست» همانند «واژه+واژه» دارند.	۱۴
مانند مثال ۱۱	مربوط به رابطه واژه‌بست‌ها با طبقات واژگانی است. به عبارتی واژه‌بست‌ها تمامی طبقات واژگانی مانند اسم، فعل، صفت، ضمیر و ... را به عنوان میزبان خود می‌پذیرند.	۱۵

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای-میدانی انجام شده است. در جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، از زمردیان (۱۳۵۰؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۶۸) بهره گرفته شده است. در مورد داده‌هایی که به روش میدانی گردآوری شدند، از ۲۰ گویشور بومی (۱۰ مرد و ۱۰ زن) ساکن شهرستان قاین در سنین ۵۰ به بالا با تحصیلات کم یا بی‌سواد مصاحبه صورت گرفت و در نتیجه مصاحبه با گفتار آزاد، هر گویشور به مدت ۱۵ دقیقه، پیکره شفاهی حاوی ۵۰۰ واژه دارای واژه‌بست تهیه شد. با بررسی داده‌های پژوهش، واژه‌بست‌های ضمیری گویش قایینی، موجود طبق ۱۵ معیار پیشنهادی آبخن‌والد (۲۰۰۳) شناسایی و تحلیل شدند. در نهایت، در خصوص نظام مطابقت گویش قایینی نکاتی ذکر شده است. لازم به ذکر است، در صورت نیاز

به داده‌های بیشتر از شمّ زبانی یکی از نگارندگان بهره برده‌شد. همچنین، داده‌های پژوهش با استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی آی‌پی‌ای^۱، نسخه دولوس سیل^۲، آوانگاری شده‌اند.

۵. توصیف و تحلیل داده‌ها

گویش قاینی نیز همانند سایر گویش‌ها دارای واژه‌بست است. در این جستار انواع واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بر اساس معیارهای واژه‌بستی آخن‌والد (۲۰۰۳) مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این واژه‌بست‌ها عبارتند از: (d)e- (مفعولی)، (d)e- (فاعلی) و ضمائر متصل شخصی سوم شخص. در ادامه به شرح کامل این واژه‌بست‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱. واژه‌بست مفعولی

در زبان فارسی ضمیر پی‌بستی مفعولی بعد از فعل اضافه می‌شود، به عنوان نمونه «م» در « علی رسوندم خونه». این ضمائر واژه‌بستی همان ضمائر شخصی هستند که میزبان آن‌ها می‌تواند اسم، فعل، صفت، حرف اضافه، ضمیر پرسشی و ضمیر اشاره باشد (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲). اما در گویش قاینی ضمائر شخصی متصل بعد از فعل به‌کار نمی‌روند. تنها ضمیر پی‌بستی مفعولی، ضمیر سوم شخص مفرد بی‌جان است و به صورت e- ظاهر می‌شود. این واژه‌بست مفعولی گاهی به صورت تکواژگونه de- ظاهر می‌شود. واژه‌بست e- تنها در صورت عدم حضور مفعول صریح بی‌جان، به افعال متعدی اضافه می‌شود. این واژه‌بست در گویش خانیکی (لباف خانیکی، ۱۳۸۱)، گویش کاخکی (شریفی و صبوری، ۱۳۹۷؛ شریفی، ۱۳۸۹) و فردوس (یا حقی، ۱۳۸۱؛ دبیرمقدم، ۲۰۲۰) نیز گزارش شده‌است.

boxârdom=e (۱) خوردمش (شریفی، ۱۳۸۹: ۴)

bo-bord=šan=e (۲) آن‌ها آن‌ها را بردند (دبیرمقدم، ۲۰۲۰: ۳۷۰)

در جدول (۳) کاربرد واژه‌بست مفعولی e- در افعال متعدی برای اشخاص مختلف مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه تنها فعل اول شخص مفرد در زمان‌های مختلف آورده شده‌است و سایر اشخاص تنها در زمان گذشته ساده صرف شده‌اند. کاربرد واژه‌بست در سایر اشخاص الگویی همانند اول شخص مفرد دارد.

۱- International Phonetic Alphabet (IPA)

۲- Doulos SIL

در مورد $bo-xārd-and=e$ «آن را خوردند» لازم به ذکر است که این فعل چون خودش به همخوان /d/ ختم می‌شود، /d/ی واژه بست حذف می‌شود. همچنین، در زمانی که فعل بدون واژه‌بست است، همخوان /d/ پایانی تلفظ نمی‌شود [boxārdan].

جدول ۳- واژه‌بست مفعولی در گویش قایینی

bo-xārd-om=de	آن را خوردم
mo-xārd-om=de	آن را می‌خوردم
bo-xord-a-y-om=de	آن را خورده‌ام
bo-xord-a bod-om=de	آن را خورده بودم
mo-xor-om=de	آن را می‌خورم
bo-xord-a xa bod-om=de	آن را خورده خواهم بود
be-xa xārd-om=de / bo-x-om xārd=e	آن را خواهم خورد
bo-xārd-i=de	آن را خوردی
bo-xārd=e	آن را خورد
bo-xārd-em=de	آن را خوردیم
bo-xārd-ey=de	آن را خوردید
bo-xārd-and=e	آن را خوردند
bo-xor=e ^۱	آن را بخور
bo-xor-ey=de	آن را بخورید

در مورد اتصال واژه‌بست e به فعل امر ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که افعال امری که به واکه /e/ ختم می‌شوند، به دلیل اینکه دو واکه /e/ در کنار هم می‌آیند، یکی از این واکه‌ها تلفظ نمی‌شود.^۲ این امر در مورد افعال نهی هم صدق می‌کند.

۱- تمامی افعال امر متعدی در صورتی که واژه‌بست مفعولی بپذیرند، این واژه بست به صورت /-e/ ظاهر می‌شود و علت اینکه به صورت /-de/ ظاهر نمی‌شود این است که اگر $-de$ به فعل امر اضافه شود با زمان گذشته ساده سوم شخص مفرد یکسان می‌شود و شاید علت حذف همخوان /d/ همین باشد.

۲- لازم به ذکر است در گویش قایینی، این طور نیست که هرگاه فعل به واکه ختم شود، یکی از واکه‌ها حذف شود. چون در فعل دوم شخص مفرد در زمان گذشته و حال، وقتی که فعل به شناسه /i/ ختم می‌شود، واژه‌بست به صورت /de/ ظاهر می‌شود. برای همین حذف واکه /e/ تنها زمانی رخ می‌دهد که خود فعل به همان واکه /e/ ختم بشود.

(۲) $v\bar{a}-de+e$ ($de+e \rightarrow de$) $\rightarrow v\bar{a}-de$ / $va-ma:-de$	آن را بده / آن را نده
واژه‌بست فاعلی + ده-ب (پیشوند فعلی) ده-نشانه	
نهی-ب (پیشوند فعلی)	
$\bar{a} ne$ ($ne+e \rightarrow ne$) / $ma:-ne$ (۳) $h-ow-$	آنجا بگذار (ش) / نگذارش
واژه‌بست + بگذار بگذار جا-آن-در گذار- نشانه نهی	

۲-۵. واژه‌بست فاعلی

فاعل در گویش قاینی همواره به صورت ضمیر منفصل ظاهر می‌شود و تنها فاعل سوم شخص مفرد می‌تواند به صورت واژه‌بست فاعلی e - ظاهر شود و به فعل پی‌بست شود.^۱ ضمایر منفصل فاعلی در این گویش به شرح (۴) است:

(۴)	
ma	ma
من	ما
to	šomā
تو	شما
ʔu	ʔunu
او	آن‌ها / ایشان

این ضمایر منفصل همانند فارسی در ابتدای جمله به کار می‌روند و به اعتبار شناسه می‌توانند حذف شوند. در گویش قاینی، افعال سوم شخص مفرد چه دارای شناسه ظاهری باشند (مانند حال استمراری) و چه دارای شناسه صفر باشد (مانند گذشته ساده) چنانچه فاعل به صورت ضمیر منفصل یا گروه اسم ظاهر نشود، واژه‌بست فاعلی e - می‌پذیرند. این واژه‌بست به انتهای فعل و تنها به افعال ربطی، لازم و متعدی سوم شخص مفرد اضافه می‌شود. ظهور این واژه‌بست در گویش کاخکی نیز مشاهده می‌شود (شریفی و صبوری، ۱۳۹۷). چنانچه این واژه‌بست، در صورت عدم حضور فاعل به صورت ضمیر یا اسم، به فعل لازم و ربطی اضافه شود، به فاعل سوم شخص (انسان و غیرانسان) اشاره دارد.

(۵) $beraft=e$

او رفت

واژه‌بست فاعلی $beraft=e$ ش م = برفت

خوشه‌های همخوانی /ft/ در صورت عدم افزوده شدن واژه‌بست تلفظ نمی‌شوند و این فعل به صورت [bera] «رفت» تلفظ می‌شود.

۱- در مثال $sard=i bo$ (سردش بود)، واژه‌بست فاعلی به میزبان صفتی اضافه شده است.

در va-m-enšin-a، واکه /e/ در me- (پیشوند استمراری) به جهت همجواری با واکه آغازی تکواژ [enšin] حذف می‌شود. همچنین در va-nšest-a bo، واکه تکواژ [enšest] به خاطر همجواری با واکه /a/ در /va/ و جلوگیری از التقای واکه‌ها حذف می‌شود. در جدول (۴) دلیل اینکه گروه فعلی پیش از اتصال واژه‌بست آورده شده این است که در این گویش برخی همخوان‌های پایانی به خصوص همخوان‌هایی که در خوشه پایانی قرار دارند، تلفظ نمی‌شوند و زمانی که واژه‌بست e- به آن‌ها اضافه می‌شود، به سطح می‌آیند و تلفظ می‌شوند.

جدول ۴- واژه‌بست فاعلی در گویش قایینی

فارسی معیار	گروه فعلی پس از اتصال واژه‌بست	گروه فعلی پیش از اتصال واژه‌بست
آن/ او خوب است	xub-a=de / xub est=e	xub-a
آن/ او خوب بود	xub bod=e	xub bo
آن/ او خوب خواهد بود	xub xa bod=e	xub xa bo
آن/ او خوب باشد	xub beš-ad=e	xub beš-a
آن/ او خوب می‌باشد	xub me-b-ad=e	xub me-b-a
او نشست	va-nšast=e	va-nšas
او می‌نشیند	va-m-enšin-ad=e	va-m-enšin-a
او نشسته بود	va-nšest-a bod=e	va-nšest-a bo
او نشسته است	va-nšast-a-y-a=de / va-nšast-a-st=e	va-nšest-a-y-a / va-nšest-a-s
او خواهد نشست	vā-xa-nšast=e	vā-xa-nšas / vā-xa-nša
او نشسته خواهد بود	va-nšest-a xa bod=e	va-nšest-a xa bo

این واژه‌بست پس از فعل ربطی /a/ به معنی «است» به صورت -de ظاهر می‌شود. اگر e- به فعل متعدی سوم شخص مفرد افزوده شود، چنانچه فاعل حضور داشته باشد اما مفعول (بی‌جان) حضور نداشته باشد، به مفعول اشاره دارد (مثال ۶) و در صورت حضور مفعول و عدم حضور فاعل، به فاعل اشاره دارد (مثال‌های ۷ و ۸).

علی بردش (۶) ali bo-bord=e

واژه‌بست مفعولی بی‌جان=ببرد علی

(۷) ketāb ra (ketāb=a) bo-bord=e

کتاب را برد

واژه‌بست فاعلی ۳ش م=ببرد را=کتاب کتاب

(۸) ke=r ma-yad=e

او چه کسی را می‌خواهد؟

واژه‌بست فاعلی ۳ش م=می‌خواهد را=چه کسی

در مواردی که فاعل و مفعول هیچ‌کدام حضور ندارند، واژه‌بست بسته به بافت می‌تواند به هر کدام اشاره داشته باشد (مثال ۹) و در مواردی که هر دو حضور داشته باشند، واژه‌بست به فعل اضافه نمی‌شود (مثال ۱۰).

(۹) bo-bord=e

آن را برد / (او) برد

واژه‌بست مفعولی بی‌جان / واژه‌بست فاعلی=ببرد

(۱۰) ali ketāb=a bo-bor

علی کتاب را برد

ببرد واژه‌بست مفعول‌نما=کتاب علی

برخلاف زبان فارسی که حضور واژه‌بست مفعولی و فاعلی به ترتیب در حضور مفعول و فاعل امکان‌پذیر است (صراحی و علی‌نژاد، ۱۳۹۲)، مانند مثال‌های (۱۱) و (۱۲)، در گویش قایینی واژه‌بست مفعولی و فاعلی نمی‌تواند در حضور مفعول و فاعل حضور داشته باشد (مثال ۱۰).

(۱۱) ketāb=o bar-dāšt-i=š

کتاب را برداشتی

واژه‌بست مفعولی=برداشتی را=کتاب

(۱۲) ali raft=eš / raft-e bud=eš

علی رفتش / رفته بودش

واژه‌بست فاعلی=رفت علی

تفاوت دیگر این است که در فارسی محاوره‌ای، واژه‌بست فاعلی تنها در افعال لازم در ماضی ساده و بعید فعل سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود، اما در قایینی در تمام زمان‌های فعل لازم سوم شخص مفرد این واژه‌بست وجود دارد. شاید در فارسی محاوره‌ای، علت وقوع واژه‌بست فاعلی در زمان ماضی ساده و بعید این باشد که تنها در این دو زمان است که فعل سوم شخص مفرد شناسه آشکار ندارد و به جبران آن گوینده واژه‌بست eš- را در جایگاه پس از فعل بیان می‌کند.

واژه‌بست (d)-، در نقش فاعلی یا مفعولی، در تمام موارد به انتهای فعل پس از شناسه افزوده می‌شود. در مورد افعال مرکب و پیشوندی هم وضع چنین است و واژه‌بست به جزء فعلی اضافه می‌شود.

او در را باز می‌کند (۱۳) dar=a va mo-kon-ad=e

واژه‌بست فاعلی = می‌کند باز را = در

آن را گفتم (۱۴) var-goft-om =de

واژه‌بست مفعولی = شناسه اش م-گفت-پیشوندفعلی

در این گویش، فعل (اعم از متعدی و لازم) در زمان آینده در شخص‌های اول شخص مفرد و جمع و نیز دوم شخص مفرد به دو صورت تصریف می‌شود. تصریف اول به صورتی است که شناسه به جزء دوم یعنی فعل اصلی اضافه می‌شود (مثال ۱۵) و در تصریف دوم، همانند فارسی معیار، شناسه به جزء اول یعنی فعل کمکی اضافه می‌شود (مثال ۱۶). بنابراین در تصریف دوم، واژه‌بست مفعولی با وجود جدا ماندن از شناسه به ریشه ماضی افعال می‌چسبد. بر همین اساس می‌توان گفت، تنها موردی که این واژه‌بست به بن فعل و نه به فعل شناسه‌دار افزوده می‌شود در مورد تصریف دوم فعل در زمان آینده است.

آن را خواهم خورد (۱۵) be-xa xārd-om=de

واژه‌بست مفعولی = خوردم خواه-ب (پیشوندفعلی)

آن را خواهم خورد (۱۶) bo-x-om xārd=e

واژه‌بست مفعولی = خوردم خواه-ب (پیشوندفعلی)

در تصریف اول فعل آینده، واژه‌بست به جزء دوم اضافه می‌شود که شناسه‌دار است و در تصریف دوم، واژه‌بست باز هم به جزء دوم اضافه می‌شود که بدون شناسه است (چون بن فعل است). فعل‌های سوم شخص مفرد و جمع و دوم شخص جمع یک حالت تصریف دارند. در مورد سوم شخص مفرد، شناسه هر دو جزء صفر است (مثال‌های ۱۷ و ۱۸) و در مورد سوم شخص و دوم شخص جمع، شناسه تنها به جزء دوم افزوده می‌شود و واژه‌بست پس از شناسه به جزء دوم متصل می‌گردد (مثال‌های ۱۹ و ۲۰).

آن را خواهد خورد (۱۷) be-xa xārd=e

واژه‌بست مفعولی = خوردم خواه-ب (پیشوندفعلی)

(۱۸) be-xa	raft=e	او خواهد رفت
	واژه‌بست فاعلی = رفت	خواه-ب (پیشوندفعلی)
(۱۹) be-xa	xārd-ey=de	آن را خواهید خورد
	واژه‌بست مفعولی = خوردید	خواه-ب (پیشوندفعلی)
(۲۰) be-xa	xārd-and=e	آن را خواهند خورد
	واژه‌بست مفعولی = خوردند	خواه-ب (پیشوندفعلی)

۳-۵. ضمایر شخصی در نقش ملکی

در گویش قاینی ضمایر شخصی که در واقع همان ضمایر ملکی می‌باشند، به شرح (۲۱) است:

(۲۱)	
ketāb ma کتاب من	ketāb mā کتاب ما
ketāb to کتاب تو	ketāb šomā کتاب شما
ketāb=i کتاب او	ketāb=inu کتاب آن‌ها (اینان)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمامی ضمایر شخصی منفصل هستند و همتای متصل یا واژه‌بستی ندارند، به جز ضمایر سوم شخص مفرد /i/ و جمع /inu/. این دو ضمیر به خاطر اینکه با واکه شروع می‌شوند، با همخوان پایانی گروه اسمی تشکیل هجای مجزایی می‌دهند و چنانچه گروه اسمی به واکه ختم شود، [y] میانجی میان واکه‌ها قرار می‌گیرد (serā-y=i «منزلش» و serā-y=inu «منزلشان»). در گویش سده (افضل‌نژاد، ۱۳۷۷) نیز به این واژه‌بست اشاره شده است. در واقع، ساختار این دو ضمیر باعث شده که رفته‌رفته از حالت منفصل به حالت متصل تبدیل شوند و در مسیر واژه‌بست شدن پیش بروند. ضمیر شخصی متصل دیگری در این گویش رواج دارد که تمایز جان‌داری را نشان می‌دهد و زمانی به کار می‌رود که مالک بی‌جان باشد. این واژه‌بست -enʃe- است. در واقع، برای مالک بی‌جان هر دو واژه‌بست -enʃe- و -i- به کار می‌رود و برای مالک جاندار تنها از واژه‌بست -i- استفاده می‌شود.

(۲۲) maši, šiše-y-enʃe beškas ماشین، شیشه‌اش شکست

ضمایر شخصی سوم شخص متصل که واژه‌بست هستند به واژه‌های میزبان از طبقه اسم، حرف اضافه، ضمیرپرستی و یا ضمیر اشاره متصل می‌شوند:

الف. اسم (گروه اسمی) + ضمیر متصل شخصی سوم شخص

ketāb=inu (۲۳) کتابشان

mašin=i (۲۴) ماشینش

lāstik=enje (۲۵) لاستیکش

ب. حرف اضافه + ضمیر متصل شخصی سوم شخص در نقش متممی

az=i va-stond-om (۲۶) ازش گرفتم

va-y=-nu var-goft-om (۲۷) بهشون گفتم

az=enje ow mia (۲۸) ازش آب میاد

ضمایری که پس از حروف اضافه به کار می‌روند نیز به جز سوم شخص فقط به صورت منفصل رواج دارند و نوع واژه‌بستی ندارند (جدول ۵).

جدول ۵- ضمایری که پس از حروف اضافه به کار می‌روند.

hara ma	با من	az ma	از من	ha/ va ma	به من
hara to	با تو	az to	از تو	ha/ va to	به تو
hara-y=i	با او	az=i	از او	hey/ vay	به او
hara-y=enje	با آن	az=enje	از آن	va=nje	به آن
hara mā	با ما	az mā	از ما	ha/ va mā	به ما
hara šomā	با شما	az šomā	از شما	ha/ va šomā	به شما
hara-y=inu	با آنها	az=inu	از آنها	heynu/ vaynu	به آنها

آنچه در ردیف اول جدول (۵) آورده شده است، در واقع همان واژه‌بست ضمیری مفعول غیرمستقیم است که در این گویش تنها برای سوم شخص‌ها فعال است. حرف اضافه «به» در قایینی در بافت‌های مختلف به صورت [ha] یا [va] ظاهر می‌شود. این حرف اضافه قبل از ضمیر منفصل سوم شخص مفرد به صورت [hey] و [vay] تلفظ می‌شود. تعامل میان فرایندهای واجی رفع التقای مصوت‌ها، همگونی و حذف در اشتقاق روساختی (۲۹) آمده است:

(۲۹) اشتقاق [hey] و [vay] از /hai/ و /vai/

بازنمایی واجی /va+i//ha+i/

رفع التقای مصوت‌ها vayi hayi

همگونی heyi -

حذف واکه [i] vay hey

بازنمایی آوایی [hey] [vay]

توجه کنید اشتقاق [heynu] و [vaynu] از /hayinu/ و /vayinu/ مانند اشتقاق (۲۹)

است.

د. ضمیر پرسشی + ضمیر متصل شخصی سوم شخص

koja-y=i dard mokona (۳۰) کجاش درد می‌کنه؟

ه. ضمیر اشاره + ضمیر متصل شخصی سوم شخص

heyjā-y=i dard mokona (۳۱) اینجاش درد می‌کنه

۴-۵. بررسی واژه‌بست‌های ضمیری گویش قاینی بر اساس معیارهای آبخن‌والد (۲۰۰۳)

در این بخش واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی بر اساس معیارهای ۱۵ گانه آبخن‌والد

(۲۰۰۳) مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تمام واژه‌بست‌های ضمیری به دنبال واژه‌ای متصل می‌شوند، ولی بخشی از ساخت واژه اشتقاقی یا صرفی محسوب نمی‌شوند. بنابراین بر طبق اولین معیار آبخن‌والد (۲۰۰۳) جهتی که واژه‌بست به میزبان اضافه می‌شود، باید مورد بررسی قرار گیرد که بر این اساس جهت واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش پی‌بست است.

معیار دوم آبخن‌والد (۲۰۰۳) واژه‌بست را به عنوان عنصری در نظر می‌گیرد که می‌تواند تقریباً به هر طبقه واژگانی اضافه شود. میزبان واژه‌بست فاعلی و مفعولی در گویش قاینی فقط فعل است و ضمائر شخصی سوم شخص میزبان خود را از طبقات دستوری اسم، صفت، حرف اضافه، ضمیر پرسشی و ضمیر اشاره انتخاب می‌کند. هر چند واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی مطابق با معیار دوم آبخن‌والد (۲۰۰۳) نیستند اما ضمائر شخصی سوم شخص هم‌راستا با این معیار می‌باشند. بر همین اساس، همچنین، معیار پانزدهم یعنی رابطه واژه‌بست‌ها با طبقات واژگانی تایید می‌شود.

پارامتر سوم به نوع میزبان می‌پردازد. از نظر نوع میزبان، در قاینی، واژه‌بست‌های ضمیری به

آخرین کلمه هر گروه اضافه می‌شود که منطبق با معیار سوم آبخن‌والد (۲۰۰۳) است.

پارامتر چهارم آبخن‌والد (۲۰۰۳) تمایز بین واژه‌بست و واژه واجی را بیان می‌کند. واژه-بست‌های ضمیری در گویش قاینی تکیه اصلی نمی‌گیرند و صورت‌های وابسته هستند؛ آن‌ها نمی‌توانند به صورت واژواجی به‌کار برده شوند و با واژه میزبان خود گروه واژه‌بستی را به وجود می‌آورند. این موضوع در مثال‌های زیر به روشنی نشان داده شده‌است:

خواندمش شناسه ۱م خواند پیشوندفعلی واژه‌بست مفعولی
 (۳۲) [[var [xond] om] de]

او رفته بود واژه‌بست فاعلی بود نشانه صفت مفعولی رفت پیشوند فعلی
 (۳۳) [[[[be [reft] a] bod] e]

دفترهایش واژه‌بست ضمیر شخصی ۳ش م نکواژجمع دفتر
 (۳۴) [[[daftar] un] i]

دکمه‌هایش^۱ (مالک غیرجاندار است) واژه‌بست ضمیر شخصی ۳ش م غیرجاندار نکواژجمع دکمه
 (۳۵) [[[dokma]un] enje]

این مثال‌ها نشان می‌دهد در هنگام اضافه‌شدن وندها به همراه واژه‌بست، ابتدا وندها اضافه می‌شوند و سپس واژه‌بست و اگر غیر از این باشد واژه حاصل غیرقابل قبول است.

خواندمش (۳۶) *[[var[xond] de] om]

دفترهایش (۳۷) *[[daftar] i] un]

دکمه‌هایش (۳۸) *[[dokma] enje] un]

بدین ترتیب، نحوه قرارگرفتن واژه‌بست‌ها در این گویش مطابق با متغیر دهم آبخن‌والد است، یعنی واژه‌بست‌ها عمدتاً بعد از همه وندها افزوده می‌شوند. همچنین از آنجا که وندها نمی‌توانند به کلماتی که واژه‌بست دارند اضافه شوند، معیار هشتم نیز تایید می‌شود. معیار هشتم نیز حاکی از آن است که واژه‌بست‌ها می‌توانند به واژه‌هایی که دارای واژه‌بست هستند اضافه شوند که مثال (۳۹) مؤید این مطلب است:

لباسش را نگاه کن (۳۹) lebâs=i=r nega

نگاه (کن) را = -لباس = لباس

تمامی واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش دارای فقط یک هجا هستند و از نظر ویژگی-های زبرزنجیری هیچ‌گاه تکیه اصلی روی واژه‌بست‌ها قرار نمی‌گیرد. بنابراین این ویژگی واژه-بست‌های ضمیری با معیار پنجم آبخن‌والد (۲۰۰۳) یعنی با خصوصیت واجی، واج‌آرایی و زنجیری واژه‌بست‌ها مطابقت دارد.

۱- در اینجا مقصود از مالک بی‌جان مثلاً پیراهن است (دکمه‌های پیراهن) و نه دکمه‌های او

بر طبق پارامتر ششم آیخن‌والد (۲۰۰۳)، تفاوت واژه‌بست با وند در رابطه با فرایند واجی در مرز واژه میزبان-واژه‌بست اعمال می‌شود. در گویش قاینی فرایندهای واجی در مرز واژه-بست‌ها اعمال می‌شوند، بنابراین این معیار نیز دربارهٔ واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش تأیید می‌شود.

معیار هفتم آیخن‌والد (۲۰۰۳) رابطهٔ واژه‌بست‌ها با مکث را بیان می‌کند. در گویش قاینی، واژه‌بست‌های ضمیری بدون مکث به صورت پیوسته با واژه میزبان تلفظ می‌شوند. یکی از دلایلی که ضمائر سوم شخص را واژه‌بست در نظر می‌گیریم این است که اگر این ضمائر به صورت منفصل /ʔi/ و /ʔinu/ یا به عبارت دیگر با مکث بین واژه میزبان و ضمیر تلفظ شوند، مفهوم دیگری پیدا می‌کند و دیگر واژه‌بست نخواهد بود:

hara-y=i / hara-y =inu (۴۰) باهاش / باهاشون

hara ʔi/ hara ʔinu (۴۱) با این / با اینها

از مثال (۴۱) معنای وسیله و بی‌جان بودن استنباط می‌شود و در این صورت hara ʔi معادل hara-y=enʃe (با آن وسیله) خواهد بود.

پارامتر نهم به نحوهٔ قرار گرفتن واژه‌بست‌ها در زنجیرهٔ واژه‌بستی اشاره دارد و همانگونه که پیشتر اشاره شد، واژه‌بست فاعلی و مفعولی به انتهای فعل و واژه‌بست‌های ضمائر شخصی سوم شخص پس از گروه اسمی، صفت، حرف اضافه، ضمیر پرشی و یا ضمیر اشاره اضافه می‌شوند.

واژه‌بست‌های ضمیری در گروه واژه‌بستی خود نقش‌های دستوری مختلفی برعهده دارند: الف. واژه‌بست -e/-de در نقش مفعول صریح بی‌جان و فاعل سوم شخص مفرد ب. ضمائر متصل شخصی سوم شخص در نقش‌های دستوری مختلفی چون متمم حرف اضافه و اضافهٔ اسمی ظاهر می‌شوند.

این ویژگی‌های واژه‌بست‌های ضمیری، در گویش قاینی، مطابق با پارامترهای یازدهم (ارتباط واژه‌بست‌ها با واژه‌های دستوری) و دوازدهم (میدان عمل نحوی واژه‌بست‌ها) آیخن‌والد (۲۰۰۳) هستند.

معیار چهاردهم آبخن‌والد به قواعد نحوی ویژه واژه‌بست‌ها می‌پردازد، به این ترتیب که قواعد نحوی مانند حرکت و حذف به قرینه بر ترکیب «واژه‌بست+ واژه» مانند «واژه+ واژه» عمل می‌کنند، به این مفهوم که واژه‌بست عنصر نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌شود.

ketab-u o daftar-un=i (۴۲) کتاب‌ها و دفترهایش

طبق مثال (۴۲) واژه‌بست i- به کل گروه اسمی یعنی کتاب‌ها و دفترها اضافه شده‌است. از لحاظ معنی، واژه‌بست‌های ضمیری به رابطه ساختی یا دستوری خاصی از جمله مفعول صریح، فاعل، اضافه ملکی و متمم حرف اضافه اشاره می‌کند که از این نظر تصدیق‌کننده بیشتر معیارهای آبخن‌والد (۲۰۰۳) است.

۵-۵. نکاتی پیرامون نظام حالت

نظام مطابقه در گویش قایینی همانند فارسی معیار فاعلی-مفعولی (کریمی، ۱۳۹۱) است. اما زمانی که واژه‌بست فاعلی و مفعولی e- حضور دارد وضع کمی متفاوت است. چون واژه-بست e- به تمام زمان‌های افعال اضافه می‌شوند، لذا برای تحلیل دو حالت در نظر می‌گیریم. حالت الف. اتصال واژه‌بست e- به افعال سوم شخص مفرد:

var-me-gad=e (۴۳) او می‌گوید

mašin=a va-me-stun-ad=e (۴۴) ماشین را می‌گیرد او

ali va-me-stun-ad=e (۴۵) علی می‌گیردش

چنانچه مثال‌های (۴۳) و (۴۵) را با هم در نظر بگیریم، یعنی حالتی که فاعل فعل لازم و مفعول به یک صورت نشان داده می‌شوند و فاعل فعل متعدی به صورتی متفاوت، در این صورت $S=O \neq A$ که نشان‌گر حالت کنایی است. حالت دیگر این است که مثال‌های (۴۳) و (۴۴) را با هم در نظر بگیریم، یعنی حالتی که فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی به یک صورت نشان‌دار می‌شوند و مفعول به صورتی متفاوت. بنابراین در این حالت نظام فاعلی-مفعولی حاکم خواهد بود ($S=A \neq O$).

برهمن اساس، در این گویش، تنها زمانی حالت کنایی حاکم است که در جمله دارای سوم شخص مفرد e- نقش مفعولی داشته باشد، در این صورت نشانه یکسان با فاعل فعل لازم و نشانه متفاوت با فاعل فعل متعدی دارد.

حالت ب. اتصال واژه‌بست e- به افعال غیر سوم شخص مفرد:

می‌گویم (۴۶) var-mo-gu-y-om
 می‌گیرمش (۴۷) va-me-stun-om=de

در مثال (۴۶) و (۴۷) فاعل تنها با شناسه نشان داده شده و در زمانی که فعل به صورت غیر سوم شخص مفرد باشد، واژه‌بست فاعلی به کار نمی‌رود. در مثال (۴۷) واژه بست de- تنها مفهوم مفعولی دارد. در این حالت چون فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی نشانه یکسانی دارند (در واقع هر دو واژه بست مختص به خود ندارند) و مفعول نشانه دیگری دارد (واژه- بست e-) بنابر این نظام حالت، فاعلی-مفعولی است (S=A≠O).

۶. نتیجه‌گیری

در این جستار، به بررسی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش قاینی پرداختیم. در این گویش واژه‌بست مفعولی و فاعلی e(d)- وجود دارد که فعل را به عنوان میزبان خود برمی‌گزیند و به آن پی‌بست می‌شود. واژه‌بست مفعولی تنها به مفعول مفرد غیرجاندار اشاره دارد و در زمانی که مفعول حضور ندارد به فعل متعدی در همه شخص‌ها و زمان‌ها اضافه می‌شود. واژه‌بست فاعلی به فاعل سوم شخص مفرد (عمدتاً جاندار) اشاره دارد و در زمان عدم حضور فاعل، به فعل سوم شخص مفرد در تمام زمان‌ها اضافه می‌شود. ضمائر شخصی واژه‌بستی هم در این گویش تنها شامل ضمائر سوم شخص می‌شوند که عبارتند از i- (برای اشاره به سوم شخص مفرد جاندار و بی‌جان)، inu- (برای اشاره به سوم شخص جمع جاندار و بی‌جان) و enje- (برای اشاره به اشیاء). این ضمائر شخصی واژه‌بستی به واژه‌های میزبان از طبقه اسم، صفت، حرف اضافه، ضمیر پرسشی و یا ضمیر اشاره متصل می‌شوند. واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش براساس معیارهای پانزده گانه آخن والد (۲۰۰۳) بررسی شد و از نظر واژه‌بست بودن مورد تأیید قرار گرفت. در انتها به بررسی نظام مطابقه براساس واژه‌بست‌های مفعولی و فاعلی پرداختیم و ذکر کردیم که تنها زمانی در این گویش حالت کنایی حاکم است که در جمله دارای فعل سوم شخص مفرد، e(d)- نقش مفعولی داشته باشد، در این صورت نشانه یکسان با فاعل فعل لازم و نشانه متفاوت با فاعل فعل متعدی دارد.

- ۱ - اردوان، سیدجلال و ابوالفضل، بی‌بی سعادت. (۱۳۹۱). *خنده سیمرخ: مجموعه افسانه‌های قاینی*. انتشارات اکبرزاده.
- افضل‌نژاد، محمد. (۱۳۷۷). بررسی و توصیف گویش سده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر شده دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲ - امامی، حسن و ناصری، زهره‌سادات. (۱۳۸۸). بررسی برخی مختصات نحوی و آوایی گویش قاینی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱ (۱۴)، صص ۵-۳۶.
- ۳ - باباسالاری، زهرا، یزدان‌شناس، حیدر، شرف‌زاده، محمدحسین و یزدانی، سعید. (۱۳۹۸). واژه‌بست در گویش تنگستانی، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۱۵ (۲۲)، صص ۱۸۱-۲۰۶.
- ۴ - دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: انتشارات سمت.
- ۵ - راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۲ (۲)، صص ۷۵-۸۵.
- ۶ - راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۱). واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی آران و بیدگل، *نامه فرهنگستان: ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، ۱، صص ۱۶۱-۱۷۲.
- ۷ - زاهدی، کیوان، خلیقی، محمد، ابوالحسنی چیمه، زهرا و گلفام، ارسلان (۱۳۹۱). ضمیر بازیافتی در زبان فارسی، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*، ۳ (۳)، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- ۸ - زمردیان، رضا (۱۳۵۰). ویژگی‌های گویش قاین، *جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)*، ۵. صص ۱۴۳-۱۵۲.
- ۹ - زمردیان، رضا (۱۳۶۸). *زبان‌شناسی عملی: بررسی گویش قاین*. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۰ - زمردیان، رضا (۱۳۸۵). *واژه‌نامه گویش قاین*. انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۱ - جم، بشیر، ناصری، زهره‌سادات و رزم‌دیده، پریا. (۱۴۰۰). بررسی صورت آوایی واژه‌های جمع مختوم به همخوان در گویش قاینی بر پایه نظریه بهینگی لایه ای، *مجله زبان‌پژوهی*، آماده انتشار.

- ۱۲ - حامدی شیروان، زهرا. شریفی، شهلا و الیاسی، محمود (۱۳۹۵). "بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی"، *دوماهنامه جستارهای زبانی*، ۷ (۴)، صص ۱۴۸-۱۲۵.
- ۱۳ - شریفی، شهلا (۱۳۸۹). "واژه‌بست/e/ و کارکردها و محدودیت‌های آن در گویش کاخکی". *مجموعه مقالات پنجمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی*. صص ۱-۱۲.
- ۱۴ - شریفی، شهلا، صبوری، نرجس بانو (۱۳۹۷). "بررسی ضمائر واژه‌بستی در برخی گویش‌های فارسی خراسان‌های رضوی و جنوبی"، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۹، صص ۱-۱۴.
- ۱۵ - شقاقی، ویدا (۱۳۷۴). "واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟" *مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران، دانشکده ادبیات زبان‌های خارجه، دانشگاه علامه طباطبایی*.
- ۱۶ - صراحی، محمدامین، علی‌نژاد. بتول (۱۳۹۲). "رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی". *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۵ (۱)، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- ۱۷ - عاملی، خدیجه (۱۳۹۴). *بررسی توصیفی ساخت‌واژه گویش قاینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان خراسان جنوبی*.
- ۱۸ - کریمی، یادگار. (۱۳۹۱). "مطابقه در نگام کُنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند"، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۴ (۲)، ۱-۱۸.
- ۱۹ - لباف خانیکی، مجید. (۱۳۸۱). "ساختمان فعل در گویش روستای خانیک". *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران*. به کوشش حسن رضایی باغ‌بیدی. نشرآثار. صص ۴۹۹-۵۱۶.
- ۲۰ - مختاری، حسن؛ مقداری، صدیقه‌سادات و مختاری، اعظم. (۱۳۹۲). *زغفرو به مثقال، ضرب‌المثل‌های قاینی*. انتشارات اکبرزاده.

- ۲۱ - مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). *بررسی پی‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی در قیاس با فارسی میانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۲ - مزینانی، ابوالفضل و شریفی، شهلا. (۱۳۹۴). "بررسی نظام واژه‌بستی ضمیری در تاریخ زبان فارسی و علل تحول آن"، *دوماهنامه جستارهای زبانی*، ۶ (۲۵)، صص ۲۷۵-۳۰۵.
- ۲۳ - مشکوه‌الدینی. مهدی. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی (واژه‌ها و پیوندهای ساختی)*. تهران: انتشارات سمت.
- ۲۴ - مقداری، صدیقه‌السادات، طالبی، الهه، فاروقی، جلیل‌الله. (۱۳۹۷). تحلیل لایه‌های گویش قاین از منظر جامعه‌شناسی زبان، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۲، صص ۱۴۸-۱۲۷.
- ۲۵ - مفیدی. روح‌الله. (۱۳۸۶). تحول نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو. *دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان*، ۳، صص ۱۳۳-۱۵۳.
- ۲۶ - ناصری، زهره‌سادات و رزم‌دیده، پریا. (۱۳۹۹). بررسی انواع تکرار کامل در گویش قایینی برپایه نظریه بهینگی لایه‌ای و موازی. *دوماهنامه جستارهای زبانی*. آماده انتشار.
- ۲۷ - یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). برخی از جنبه‌های زبانی و فرهنگی گویش فردوس. *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران*. به کوشش حسن رضایی باغ‌بیدی. نشر آثار. صص ۶۱۳-۶۳۶.
- ۲۸- Aikhenvald, A. Y. (۲۰۰۳). Typological parameters for the study of clitics, with special reference to Tariana, pp ۴۲-۷۸; In *Word: A Cross-Linguistic Typology*, edited by R.N.W. Dixon and Alexandra Aikhenvald. Cambridge: Cambridge University Press
- ۲۹ - Bickel, B., & Nichols, J. (۲۰۰۷). Inflectional Morphology, pp ۱۶۹-۲۴۰; In *Language Typology and Syntactic Description*, V. III: Grammatical Categories and the Lexicon, edited by Timothy Shopen, Cambridge: Cambridge University Press.
- ۳۰- Dabir-Moghadam, M. (۲۰۲۰). A Linguistic Survey of Khorasan: Implications for Language Isolation, Language Change and Contact Linguistics, *Iranian Studies*, ۵۳, ۳-۴, pp ۳۵۳-۴۰۱.

- ۳۱- Jam, B., Razmdideh, P., & Naseri, Z. S. (۲۰۲۰). Final n- deletion in Ghayeni Persian: Opacity in Harmonic Serialism & Parallel Optimality Theory. *Iranian Studies*, ۵۳, ۳-۴, pp ۴۱۷-۴۴۴.
- ۳۲- Katamba, F. (۱۹۹۳). *Morphology*. London: McMillan Press LTD.
- ۳۳- Klavans, J. (۱۹۸۵) The Independence of Syntax and Phonology in Cliticisation, *Language*, ۶۱, pp ۹۵-۱۲۰.
- ۳۴- , A. (۱۹۹۱). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ۳۵- Wackernagel, Jacob. ۱۸۹۲. Über ein Gesetz der indogermanischen Wortstellung, *Indogermanische Forschungen*, ۱, pp ۳۳۳-۴۳۶.
- ۳۶- Zwicky, A. (۱۹۷۷). *On Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistic Club.
- ۳۷- Zwicky, A. (۱۹۸۵). Clitics and Particles, *Language*, ۶۱, pp ۲۸۳- ۳۰۵
- ۳۸- Zwicky, A., & G. Pullum (۱۹۸۳). Cliticisation vs. Inflection: English n't, *Language*, ۵۹, ۵۰۲-۵۱۳.

Clitic Pronouns in Ghayeni Dialect

Zohreh Sadat Naseri, Assistant Professor of Linguistics at Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran
z.naseri@scu.ac.ir

Pariya Razmdideh, Assistant Professor of Linguistics at Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran (Corresponding Author)
p.razmdideh@vru.ac.ir

Received: ۱۷/۱۲/۲۰۲۱

Accepted: ۲۳/۰۲/۲۰۲۲

Abstract

Clitics are linguistic units that have both some characteristics of words and some of the dependent morphemes. Therefore, identifying and examining them in different languages is one of the most interesting linguistic issues for linguists. Persian language is no exception to this rule. Thus, the aim of the present study is to determine and describe clitic pronouns in Ghayeni dialect based on Aikhenvald's criteria (۲۰۰۳). The data have been collected by descriptive-analytical method, using different sources of Ghayeni dialect

and recording free speech of ۲۰ native dialects living in Ghayen and also the intuition of one of the authors. Clitic pronouns in this dialect include the object and subject clitics - (d)e, as well as third-person attached pronouns. The results indicate that object clitics refer only to the inanimate singular object and are added to the transitive verb in all persons and tenses when the object is not present. Subject clitics refer to the third person singular verb (mostly animate) and are added to the singular third person verb at all times when the subject is not present. In the case of agreement system, the conjunctive system prevails in this dialect only when it has a passive role in the sentence with the singular third person verb, (d)e-; In this case, it has the same marking as the intransitive verb and a different marking with the transitive verb. Here clitic personal pronouns only include third person pronouns. Clitic pronouns were validated according to Aikhenvald (۲۰۰۳).

Keywords: clitic pronouns, object clitic, personal attached pronouns, Ghayeni dialect, Aikhenvald's criteria.

